

Review of *Twelve Ancient Texts*

Mahmoud Jafari-Dehaghi*

Abstract

The book of *Twelve Ancient Texts* is the result of years of research and follow-up by Bijan Gheiby in ancient Iranian texts, especially Middle Persian texts. In each of the articles, the author first presents the sources and then deals with the Pahlavi text, transliteration, translation of the text, lexical notes, and explanation of the ambiguities of the text. This book includes a report on twelve short pahlavi texts such as *Wiz rišn atrang, m day n y št Yošt Fry n, m h Farvardin...*, *ay dg r zar r n, madan š h Bahr m warj wand, S r saxwan, xw šk r h r dag n, R dak n, Farroxn mag, im kost g, fr n žardšt*. This book is very important because of its careful translation of texts and commentaries and the author's valuable notes. However, the above-mentioned authorship is not without significant shortcomings in terms of scientific principles and methods in correcting and translating ancient texts. These shortcomings have sometimes damaged the principle of authorship. What has seriously damaged the whole collection is the lack of critical correction of the Pahlavi texts; that is, comparing of the manuscripts, transliteration and transcription of the texts, and the mention of the differences in the manuscripts. Obviously, without such a method, reliable translations of the texts cannot be obtained.

Keywords: Middle Persian, Transcription, Transliteration, Etymology, Text Translation.

* Professor of Culture and Ancient Iranian Languages, Department of Iranian Languages, University of Tehran, Iran, mdehaghi@ut.ac.ir

Date received: 2020-12-07, Date of acceptance: 2021-02-20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب دوازده متن باستانی

محمود جعفری دهقی*

چکیده

کتاب *دوازده متن باستانی* حاصل سال‌ها تحقیق و تتبع بیژن غیبی در متون ایرانی باستان به‌ویژه متون فارسی میانه است. مؤلف در هریک از مقالات نخست به ارائه منابع، سپس به متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه متن، یادداشت‌های لغت‌شناسی، و توضیح ابهامات متن پرداخته است. این کتاب شامل «گزارش شطرنج»، «داستان یوشت فریان»، «ماه فروردین روز خرداد»، «بادگار زیرانم»، «آمدن شاه بهرام ورجاوند»، «سور سخن»، «خویش‌کاری ریدکان و اندرز به کودکان»، «فرخ‌نامه»، «تخمه‌شماری زرتشت»، «چیم درون»، «آفرین پیغامبر زرتشت» است. این کتاب به‌واسطه دقت نظر در ترجمه متون و احتوا بر یادداشت‌های ارزشمند مؤلف حائز اهمیت بسیار است. باین‌حال، تألیف یادشده نظر به اصول و شیوه‌های علمی در کار تصحیح و ترجمه متون باستانی عاری از کاستی‌های قابل توجه نیست، به‌طوری‌که این کاستی‌ها گاه به اصل تألیف آسیب رسانیده است. آنچه در همه مجموعه موجب آسیبی جدی شده عدم تصحیح انتقادی متون پهلوی یعنی مقابله دست‌نویس‌ها، حرف‌نویسی و آوانویسی متون، و ذکر اختلاف نسخ است. بدیهی است که بدون چنین روشی نمی‌توان ترجمه معتبری از متون به‌دست داد.

کلیدواژه‌ها: فارسی میانه، آوانویسی، حرف‌نویسی، ریشه‌شناسی، ترجمه متن.

۱. مقدمه

متون فارسی میانه یکی از منابع گران‌بار و ارزشمند مربوط به فرهنگ و تمدن ایران عزیز به‌ویژه تاریخ تحول زبان‌ها، ادیان، و باورهای ایرانیان است. بیش‌تر این متون در شمار آثار

* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران، mdehaghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲



دینی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که آثار ادبی و تاریخی منظوم و منثور مربوط به این دوره به علل گوناگون از جمله فراموشی زبان فارسی میانه، تغییر خط پهلوی به خط عربی، و جای‌گزین شدن زبان فارسی دری به منزله زبان رسمی در ایران از میان رفته‌اند. هرچند بخشی از آثار فارسی میانه به زبان عربی و فارسی ترجمه شده (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۱۳) و به‌مرور زمان دست‌خوش تغییر و دگرگونی شده‌اند، ردپای ادبیات پهلوی را می‌توان در ترجمه‌هایی که از آن‌ها صورت گرفته است در میان آثار فارسی و عربی جست‌وجو کرد. آنچه از متون فارسی میانه باقی مانده غالباً تحت عنوان متون دینی دسته‌بندی شده، اما از جهت تنوع موضوع حائز اهمیت بسیاری‌اند. در میان این متون مباحث اسطوره‌شناسی، دین‌شناسی، سبک‌های ادبی، شیوه نگارش، جهان‌بینی ایرانیان، و جنبه‌های روان‌شناختی مشاهده می‌شود. به همین سبب، متون فارسی میانه از دیرباز مورد توجه دانشمندان متخصص در زمینه‌های گوناگون تاریخ، زبان، دین، و مردم‌شناسی مورد بررسی و تصحیح و ترجمه واقع شده است. بنابراین پیش از بیژن غیبی، گردآورنده دوازده متن باستانی، دیگر دانشمندان ایرانی و غیرایرانی هریک از مقالات مندرج در آن را تصحیح و ترجمه کرده‌اند. از میان ترجمه‌هایی که از متن پهلوی «گزارش شطرنج» صورت گرفته است، می‌توان به ترجمه‌های تاراپوروالا (۱۹۳۲)، هانسن (۱۹۳۳)، برونر (۱۹۷۹)، آنتونیو پاناینو (۲۰۱۷) اشاره کرد. هم‌چنین در ایران محمدتقی بهار (۱۳۴۷) و سعید عریان (۱۳۸۲) این متن را به فارسی ترجمه کرده‌اند. به همین ترتیب، پژوهش‌گران این حوزه سایر متون مندرج در کتاب دوازده متن باستانی را بررسی و تصحیح و ترجمه کرده‌اند.

۱.۱ معرفی

کتاب دوازده متن باستانی شامل دوازده متن فارسی میانه (پهلوی) هم‌راه با آوانویسی، ترجمه، و توضیحات آن‌هاست. این اثر در ۳۷۵ صفحه به‌همت انتشارات دکتر محمود افشار و با همکاری انتشارات سخن در بهار سال ۱۳۹۶ با تیراژ ۷۷۰ نسخه به‌چاپ رسیده است. کتاب دوازده متن باستانی شامل «گزارش شطرنج»، «داستان یوشت فریان»، «ماه فروردین روز خرداد»، «یادگار زیران»، «آمدن شاه بهرام ورجاوند»، «سور سخن»، «خویش‌کاری ریدکان و اندرز به کودکان»، «فرخ‌نامه»، «تخمه‌شماری زرتشت»، «چیم درون»، «آفرین پیغامبر زرتشت» است. هریک از مقالات به‌گونه‌ای مستقل‌اند و ارتباط ساختاری و محتوایی با یک‌دیگر ندارند. غیبی این مقالات را پیش‌تر طی سال‌های ۱۹۸۷-

۲۰۱۲ م تدوین کرده و منتشر ساخته بود (بنگرید به یادداشت فارسی بدون عنوان و بدون صفحه‌ اوایل کتاب و یادداشت بدون عنوان و شماره صفحه آلمانی پایان کتاب). دوازده متن باستانی حاصل سال‌ها تحقیق و تتبع بیژن غیبی درباره متون ایرانی باستان، به‌ویژه متون فارسی میانه، است. مؤلف در هریک از مقالات نخست به ارائه منابع، سپس به متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه متن، یادداشت‌های لغت‌شناسی، و توضیح ابهامات متن پرداخته است؛ اگرچه این نظم در همه مقالات رعایت نشده است که به این موضوع بعداً پرداخته خواهد شد. غیبی، افزون بر دوازده متن یادشده، پیش‌ازاین بیش‌تر مقالاتی را در زمینه فرهنگ و زبان‌های باستانی تألیف یا ترجمه کرده است که برخی از مقالات تألیفی وی عبارت‌اند از «برگزیده‌ها (سرود مروارید)» در *ایران‌شناسی*، ۱۳۷۶؛ «هردم از این باغ...»، *ایران‌شناسی*، ۱۳۷۹؛ «یادی از آندریاس و یکی از نوشته‌های او»، *مجله پائر*، ش ۴، زمستان ۱۳۸۷. مقالات ترجمه‌شده به قلم وی نیز عبارت‌اند از «هنر تصویرگری در کتاب‌های چاپ سنگی زمان قاجار»، تألیف اولریش مارزلف، *مجله فرهنگ مردم*، ش ۶ و ۷، ۱۳۸۲؛ «برگزیده‌ها: ضحاک (گفتاری در اساطیر و شمایل‌سازی ایران)»، تألیف فرانتس تشنر، *ایران‌شناسی*، ش ۴، ۱۳۷۴.

Gheiby, Bijan, "Ard W r z N mag: Some Critical Remarks", in: *Name-ye Ir n-e B st n*, vol. 1, no. 1.

هم‌چنین کتابی با مشخصات زیر از ایشان به‌چاپ رسیده است:

Gheiby, Bijan, *Persien oder Iran? Die Deutschen entdecken das Land Zarathustras*, Philipp von Zabern, 2012.

علت انتخاب کتاب *دوازده متن باستانی* برای نقد و بررسی به‌سبب اهمیت متون پهلوی و نقش آن در بازشناسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی است. پیش‌ازاین مؤلفان ایرانی و غیرایرانی بارها این دوازده متن را به‌طور مستقل تصحیح، ترجمه، و چاپ کرده‌اند.

متن نخست با عنوان «گزارش شطرنج» شامل ۳۸ بند داستانی است که در زمان خسرو انوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۹ م) رخ داده است و بنابر گزارش این متن پهلوی پادشاه هندوان برای آزمودن دانایی ایرانیان شطرنجی را هم‌راه با هدایای گران‌بها به‌وسیله یکی از دانشمندان خود به دربار ایران گسیل می‌کند و اعلام می‌کند که اگر ایرانیان نتوانند مفهوم این بازی را دریابند، باید به آن‌ها خراج بپردازند. پس از سه روز، بزرگمهر بختگان راز این بازی را درمی‌یابد و ضمن توضیح نقش هریک از مهره‌ها اظهار می‌دارد که این بازی نماد کارزار است. سپس، خود نرد را که نماد جهان براساس جهان‌بینی ایرانیان است ابداع می‌کند و خود برای پادشاه هند می‌برد و از آن‌ها می‌خواهد که راز این بازی را کشف کنند، اما

هیچ‌یک از خردمندان هند موفق به این کار نمی‌شوند (بنگرید به غیبی ۱۳۹۵: ۲۱). نخستین بار این متن را در سال ۱۸۸۵ سنجانا منتشر کرد. سپس در سال ۱۸۸۹ ایرانی، در ۱۹۳۲ تاراپور، در ۱۹۵۱ پالیارو، و در ۱۹۶۴ نیبرگ این متن را ترجمه و چاپ کردند. در ایران نخست ملک‌الشعرای بهار در سال ۱۳۴۷ و سپس عریان در ۱۳۷۱ این متن را ترجمه و منتشر کردند.

متون دوم، «داستان یوشت فریان» نمونه‌ای از چیستان‌های ایرانی است و شامل ۹۲ پرسشی است که اخت جادو از یوشت فریان می‌پرسد. یوشت یکی از جوان‌ترین افراد خاندان فریان از پارسایان زردشتی بوده است و برای پاسخ به این پرسش‌ها از هرمزد یاری می‌جوید و به همه پرسش‌ها پاسخ می‌دهد، اما اخت جادو که از اهریمن کمک می‌خواهد، در برابر سه پرسش یوشت فریان درمی‌ماند و شکست می‌خورد. این رساله هم‌چنین نمونه ارزش‌مندی از فن مناظره است که به‌باور من ایرانیان در شکل‌گیری آن نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند. کهن‌ترین شاهد این مدعا مناظره و هم‌پرسگی‌های زردشت با اهورامزداست که در سراسر *اوستا* مندرج است (بنگرید به همان: ۴۳).

متن سوم با عنوان «ماه فروردین روز خرداد» رساله کوچکی است که حوادث مربوط به روز خرداد از ماه فروردین را شرح می‌دهد. بخشی از این رساله مربوط به حوادث پیش از تدوین آن است (احتمالاً پیش از خسروپرویز) مانند آفرینش گیتی، گیومرث، مشی و مشیانه، هوشنگ، تهمورث، جمشید، فریدون، سام نریمان، کی خسرو، افراسیاب، آرش، لهراسب، زردشت و گشتاسب، و خسروپرویز. بخش دوم مربوط به وقایعی است که در همین روز در آینده رخ خواهد داد. مانند آمدن شاه بهرام ورجاوند، پشتون پسر گشتاسب، اوشیدر و اوشیدرماه، سوشیانس، پادشاهی مجدد کی خسرو و سپس گشتاسب در پایان جهان، رستاخیز و شکست نهایی اهریمن (بنگرید به همان: ۹۵). این متن را افزون‌بر جاماسب‌آسانا، مارکوارت، و بهار که غیبی در فهرست منابع خود آورده است، صادق کیا در سال ۱۳۳۵ و عریان در ۱۳۷۱ نیز ترجمه کرده‌اند که در پژوهش غیبی به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

متن چهارم با عنوان «یادگار زیران» یکی از کهن‌ترین نمونه‌های داستان‌های حماسی ایران است. بنابر این داستان گشتاسب، شاه ایران، دین تازه‌ی مزدیسنا را می‌پذیرد و بدین سبب نامه‌ای از ارجاسب، شاه هیونان، دریافت می‌کند، مبنی بر این‌که یا دین تازه را رها کند و یا آماده نبرد باشد. زیر، سپه‌سالار ایران و برادر گشتاسب، پاسخ می‌دهد که گشتاسب دین تازه را رها نمی‌کند. بنابر پیش‌گویی جاماسب و به‌دنبال آن در جنگی که درمی‌گیرد، ۲۳ تن از برادران و پسران گشتاسب از جمله زیر و پادخسرو، برادران او، و فرشاورد، پسر او،

کشته می‌شوند. در ادامه، بستور، فرزند خردسال زریر، به خون‌خواهی پدر به میدان می‌رود. سوگواری او بر بالین پدر یکی از شاعرانه‌ترین نمونه‌ها از این دست است. سرانجام، این نبرد با دلاوری‌های اسفندیار، پسر گشتاسب، و بستور و دیگر پهلوانان ایرانی به پیروزی گشتاسب و شکست جاماسب به فرجام می‌رسد. متن «یادگار زریران» یکی از آثار مکتوب بازمانده از عهد اشکانی است و در اصل به زبان پارسی بوده است، اما بعدها به زبان پهلوی ساسانی ترجمه شده است. با این حال نمونه‌های لغات پارسی را می‌توان از خلال این متن دریافت. بسیاری از پژوهش‌گران مانند گایگر، جاماسب‌آسانا، پالیارو، منشی‌زاده، بهار، نولدکه، و نیبرگ این متن را تصحیح و ترجمه کرده‌اند. یکی از ترجمه‌های عالمانه از این اثر را یحیی ماهیار نوابی انجام داده که در پژوهش غیبی به آن اشاره‌ای نشده است.

متن پنجم متن کوتاهی با عنوان «آمدن شاه بهرام ورجاوند» است. این متن شاعرانه کوتاه شامل چهارده بیت است و از نمونه‌های شعر پهلوی است و در زمره متون آخرالزمانی به‌شمار می‌رود. در بخشی از این متن به موضوع حمله اعراب و ایجاد فشارهای سیاسی و اقتصادی نظیر وضع جزیه و ویرانی آتشکده‌ها اشاره می‌کند و در پایان آمدن بهرام ورجاوند را نوید می‌دهد که در پایان جهان خواهد آمد و از تازیان انتقام خواهد گرفت (بنگرید به همان: ۱۹۸). جاماسب‌آسانا، انکلسلریا، بهار، هدایت، بیللی، تاوادیا، و دوبلوا این متن را تصحیح و ترجمه کرده‌اند.

متن پنجم رساله کوتاهی با عنوان «سور سخن» است. این متن نمونه‌ای از دعای سپاس‌گزاری از میزبان برسر سفره غذاست. در این دعا از اورمزد، امشاسپندان، و ایزدان گوناگون و نیز بزرگان مملکت و حتی سپهبدان چهارگانه کشور، رئیس داوران کشور، طبقات چهارگانه اجتماعی، آتش‌ها، خوان‌سالاران، و خنیاگران یاد می‌شود. در پایان دعا از میزبان سپاس‌گزاری به عمل می‌آید (بنگرید به همان: ۲۲۱). از مترجمان و مصححان این متن می‌توان جاماسب‌آسانا و تاوادیا را نام برد.

متن ششم و هفتم رساله‌ای به پازند با عنوان «خویش‌کاری ریدکان و اندرز به کودکان» است. محتوای این دو متن کوتاه بیش‌تر آداب زندگی کودکان در خانه، مدرسه، و اجتماع است. نویسنده وظایف کودکان را در مدرسه برمی‌شمارد و به شرح آداب تطهیر بامدادی، آداب سفره، رعایت احترام مردم، انجام وظایف در منزل، احترام به پدر و مادر، و آداب غذاخوردن می‌پردازد (بنگرید به همان: ۲۴۶). دارمستتر، یونکر، و فریمان این متن را تصحیح و ترجمه کرده‌اند. آنتیا نیز این متن را در مجموعه متون پازند منتشر کرده است. غیبی به ترجمه خوب مزداپور در سال ۱۳۶۸ از این متن اشاره‌ای نمی‌کند.

متن هشتم اندرزنامه‌ای با عنوان «فرخ‌نامه» است. این متن که نخستین بار در سال ۱۹۱۸ میلادی توسط آذرباد دستور نوشیروان همراه با مقدمه، آوانویسی، و ترجمه انگلیسی در *یادنامه دستور هوشنگ* منتشر شده است منبع و مأخذ معینی ندارد. عنوان آن به پازند است و احتمال داده‌اند که در دوره‌ای متأخر از روی متنی فارسی به پهلوی ترجمه شده باشد. موضوع این رساله کوتاه اندرزهایی است که یونان، دستور انوشیروان، طی نامه‌ای به او فرستاده است (بنگرید به همان: ۲۶۱).

متن نهم «تخمه‌شماری زرتشت» نام دارد که مؤلف از یکی از پیوست‌های بندهش جدا کرده و به آوانویسی و ترجمه آن پرداخته است. «تخمه‌شماری» یا *شجره‌نامه زرتشت* در هر سه نسخه‌های معروف بندهش با عنوان TD1 و TD2 و DH آمده است. افزون‌براین، از *شجره‌نامه زرتشت* در آثار دیگر فارسی میانه نظیر *دینکرد هفتم*، *گزیده‌های زادسپرم*، و *جرکرد دینیک*، و متن فارسی *روایات داراب هرمزدیار* نیز یاد شده است. غیبی در ادامه *متن پهلوی پازند* این متن را نیز به نقل از انتیا آورده و فهرست نیاکان زرتشت را نیز ارائه کرده است. این فصل با ارائه نمونه‌ای از متن فارسی داراب هرمزدیار از *شجره‌نامه زرتشت* پایان یافته است (همان: ۲۷۷). مؤلف در تصحیح و ترجمه این بخش از *متن بندهش* فردیناند یوستی سود برده است، اما از آثار متعددی نظیر *ترجمه مهرداد* بهار از این اثر در فهرست منابع او یاد نشده است.

متن دهم این مجموعه «چیم کشتی» است. این متن در پژوهش‌های دیگر محققان با عنوان *پس دانش کامگ* (= *پسر آرزومند دانش*) نامیده شده است. اصل پهلوی این متن از میان رفته و *طهمورث دین‌شاه انکلساریا* با استادی آن را از روی *متن پازند* به پهلوی درآورده و همراه با *مینوی خرد* در سال ۱۹۱۳ م ترجمه و منتشر کرده است. موضوع این اثر پرسش‌هایی است که پسری درباره علت بستن کستی (= *کمر بند دینی زردشتیان*) از پدرش می‌پرسد و پاسخ‌هایی که پدرش همراه با نکاتی درباره اصل ثنویت و تقسیم نمادین پیکر آدمی به دو بخش بالایی و بخش زیرین بدن به او می‌دهد که بخش بالایی اهورایی است و بخش زیرین بدن اهریمنی است. این تقسیم‌بندی به منزله تشبیه انسان یا جهان کودک (= *اصغر*) به جهان بزرگ (اکبر) است. *کمر بند* یا *کستی* مذکور فاصله دو جهان انسان است (همان: ۲۹۵).

متن یازدهم «چیم درون» نام دارد. این متن کوچک پهلوی را نخستین بار ادوارد وست معرفی کرده است. محتوای این اثر، همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، درباره چیستی و علت پیدایی درون و شیوه یستن آن است. درون نان مقدسی است که در مراسم دینی از آن

استفاده می‌کنند. روی این نان همانند گیتی است. کناره پیرامونش چون البرز که دور زمین است. افزوده‌های وسط درون به معنی رویش مردمان و چهارپایان و گیاهان است. مینوی درون شبانگاه که دیوان به جهان می‌تازند آن‌ها را تارومار می‌کند. متن «چیم درون» هم چنین در کتاب روایت پهلوی نیز آمده است (همان: ۳۳۶).

متن دوازدهم «آفرین پیغامبر زردشت» است. آفرین به معنای دعاست و این متن کوتاهی است که در آن از زبان زردشت به گشتاسب، پادشاه کیانی و نخستین کسی که دین او را پذیرفت و از او حمایت کرد، دعا شده و در ضمن آن به ویژگی‌های اخلاقی و صفات شاهان و پهلوانان ایران باستان نیز اشاره شده است (بنگرید به همان: ۳۶۲).

کتاب دوازده متن پهلوی از لحاظ کیفیت چاپ از وضعیت بسیار خوبی برخوردار است. این حسن به ویژه در مجموعه کتاب‌های منتشر شده موقوفات افشار مدیون مدیر جوان و مبتکر آن، محمدافشین وفایی، است. طرح روی جلد خوب، حروف چاپی مناسب، صفحه‌آرایی چشم‌نواز، صحافی، و قطع نیم‌رحلی خوب نشان‌دهنده مدیریت موفق نشر یادشده است، اگرچه چینش و ترتیب مطالب کتاب خالی از اشکال نیست. با وجود این که تألیف این مجموعه به گفته مؤلف در سال ۱۳۸۴ پایان یافته (بنگرید به مقدمه بدون عنوان و صفحه) و حدود ده سال در انتظار چاپ بوده، مؤلف تلاشی برای تنظیم صفحات و ترتیب مطالب نکرده و ناشر نیز در این باره اقدامی نکرده است.

۲. نقد محتوایی اثر

اشکالات ساختاری و محتوایی این بخش را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

الف. انسجام، نظم، و ترتیب منطقی در ارائه مطالب: کتاب دوازده متن باستانی به واسطه دقت نظر در ترجمه متون و احتوا بر یادداشت‌های ارزشمند مؤلف حائز اهمیت بسیار است. با این حال، تألیف یادشده نظر به اصول و شیوه‌های علمی در کار تصحیح و ترجمه متون باستانی عاری از کاستی‌های قابل توجه نیست، به طوری که این کاستی‌ها گاه به اصل تألیف آسیب رسانیده است. آن‌چه در همه مجموعه موجب آسیبی جدی شده عدم تصحیح انتقادی متون پهلوی یعنی مقابله دست‌نویس‌ها، حرف‌نویسی و آوانویسی متون، و ذکر اختلاف نسخ است. بدیهی است که بدون چنین روشی نمی‌توان ترجمه معتمدی از متون به دست داد.

مقاله نخست با مقدمه‌ای از مبارک‌شاه در کتاب *آداب الحرب و الشجاعة* آغاز می‌شود و سپس در گزارشی هجده صفحه‌ای به مطالبی درباره شطرنج (؟) می‌پردازد. مطالب این بخش

که از آثار تاریخی و ادبی گران‌قدری نظیر *نهایة الارب فی تاریخ الفرس و العرب*، *اخبار الطوال* دینوری، *مجملة التواریخ و القصص*، *تاریخ طبرستان* ابن‌اسفندیار، و... استفاده کرده، متأسفانه بدون هیچ نظم منطقی در کنار هم قرار گرفته است. حتی عنوان مقدمه نشان نمی‌دهد که هدف مؤلف از نگارش این بخش چیست. نقل‌قول‌های طولانی از آثار یادشده این مقدمه را به کشکولی تبدیل کرده که در آن از هر اثری مطلبی فراهم آمده است.

نویسنده پس از مقدمه‌ای به میزان هجده صفحه مجدداً به ارائه یادداشت‌ها در صفحه ۲۷ می‌پردازد. با وجود این، مجدداً در صفحه ۳۱ گزارش دیگری را با عنوان «در پیرامون گزارش شطرنج» نقل می‌کند. بنابراین، در این مقاله از آن‌چه باید ذکر می‌کرد (مانند متن پهلوی و تصحیح انتقادی آن، واژه‌نامه، نمایه، و دیگر بخش‌هایی که ممکن بود سبب شود بتوان بهتر از آن بهره‌مند شد) خبری نیست و در عوض چندین ده‌صفحه از مطالبی یادشده که ممکن است مفید باشند، اما اولویت و نظم منطقی ندارند.

در صفحه ۳۳ و ۳۴ ناگهان با صفحه‌ای به زبان آلمانی با عنوان منابع روبه‌رو می‌شویم. این از شگفتی‌های چاپ کتاب در سرزمین ماست. سرانجام آوانویسی متن پهلوی در صفحه ۳۵ یعنی از آخر و از چپ به راست (!) ظاهر می‌شود. بدین ترتیب، باید متن را از صفحه ۳۸ شروع کنیم و به عقب برگردیم.

نکته این‌که همین ناهماهنگی‌ها در بخش دوم، یعنی «داستان یوشت فریان»، نیز دیده می‌شود. در این‌جا، منابع این متن به‌جای آخرین صفحه در نخستین صفحه (صفحه پایین کتاب ۱ و بالای کتاب ۴۱) آمده است. سپس، در صفحه بعد بدون هیچ توضیحی برگگی از متن اصلی پهلوی درج شده است که در جهت تصحیح به خواننده متن هیچ کمکی نمی‌کند. مؤلف سپس به ترجمه فارسی متن «داستان یوشت فریان» پرداخته است. از محاسن این بخش ترجمه روان و خوب آن است. توضیحات زیرنویس متن گاه بسیار سودمند و گاه ملال‌آور و غیرضروری است (برای نمونه، بنگرید به غیبی ۱۳۹۵: زیرنویس ۱۶ از صفحه ۴۳ بالا، جایی که مؤلف خواننده را به مبلمان دربار اخت جادو متوجه می‌سازد و شاهدی که از *خسرونامه* نقل شده است؛ نیز بنگرید به توضیح مفصل شماره ۱ زیرنویس صفحه ۴۴ بالا). با این‌همه، مؤلف باز به آن‌همه زیرنویس‌های مفصل اکتفا نمی‌کند و در بخشی با عنوان یادداشت‌ها به شرح نکاتی می‌پردازد که توضیح آن‌ها رابطه منطقی با اثر ندارد (برای نمونه، بنگرید به غیبی ۱۳۹۵: شرح آسمان و زمین در صفحه ۵۸ و نیز توضیح طولانی صفحات ۶۰ و ۶۱ درباره مغ؛ به همین ترتیب، بحث درباره شماره‌های قراردادی در صفحه ۶۲ و نتیجه‌گیری از آن نیز خالی از استدلال منطقی است). در ادامه این بخش، مؤلف به بخشی

درباره تاریخچه چیستان‌گویی در ایران می‌پردازد (غیبی ۱۳۹۵: ۶۸) که مقاله بسیار سودمندی است، اما آوردن آن در تصحیح و ترجمه متون باستانی چندان مرسوم نیست، به‌ویژه آن‌که اظهارات استاد غیبی در آغاز مقاله تاریخچه چیستان‌گویی و مطالبی که ایشان از یسن ۴۴ و از قول شولتز به‌عنوان چیستان مطرح کرده صرفاً پرسش و پاسخ معمولی است، نه چیستان. آوانویسی متن پهلوی در صفحه نود آغاز می‌شود که برای خواندن آن باید کتاب را از چپ به راست ورق بزنیم، به‌طوری‌که ادامه آوانویسی در صفحه ۸۹ و ۸۸ تا ۸۴ آمده است. لازم به یادآوری است که شیوه مرسوم در تصحیح و ترجمه متون پهلوی‌ای که آوانویسی آن به حروف لاتین است، بدین گونه است که هر بند از آوانویسی را از چپ به راست درج می‌کنند و ترجمه فارسی آن را زیر همان بند می‌آورند.

در متن سوم، باوجود آوانویسی و ترجمه نسبتاً خوب، ناهماهنگی‌ها مانند دو متن قبلی هم‌چنان ادامه دارد. برای مثال، منابع در فصل نخست در پایان آن آمده، درحالی‌که در متن دوم و سوم در آغاز مطرح شده است. همین ناهماهنگی تا پایان متن‌ها ادامه دارد. نکته دیگر این‌که از صفحه ۱۰۲ تا ۱۲۲ یادداشت‌های مربوط به این متن آمده است. حجم مفصل این یادداشت از لحاظ ارتباط با متن چندان قابل دفاع نیست. موضوع یادداشت‌ها ارزشمند و قابل استفاده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد که مؤلف بدون در نظر گرفتن ارتباط مطالب به یک‌دیگر هرچه خواسته گفته است.

متن چهارم یعنی «یادگار زریران» با مقدمه بسیار خوبی آغاز می‌شود و اگرچه همان بی‌نظمی‌های متون قبل را با خود دارد (مثلاً منابع و واژه‌نامه این بخش ناگهان در وسط مطالب [همان: ۱۳۷] جای داده شده!)، در زمره بهترین بخش‌های این مجموعه است؛ زیرا افزون‌بر مقدمه ممتع آن هم دارای متن پهلوی و هم حاوی واژه‌نامه است.

در متن پنجم، «آمدن شاه بهرام ورجاوند»، معلوم نیست به چه دلیل دو نمونه از متن پهلوی (یکی در صفحه ۱۹۲ و دیگری در صفحه ۱۹۴) ارائه شده است، بدون این‌که مأخذ این دو متن مشخص باشد و دیگر این‌که چرا مؤلف علاوه‌بر آوانویسی متن حرف‌نویسی آن را نیز ارائه کرده است؛ کاری که برای دیگر متن‌های این کتاب صورت نگرفته است. ازجمله ناهماهنگی‌های این بخش نیز آمدن منابع در آغاز است. هم‌چنین، پس از ارائه یادداشت‌ها، دو مقاله در پایان این بخش در توضیح سبک و زبان متن و معرفی شاه بهرام هم‌راه با زیرنویس‌های طولانی آمده است که اگرچه مفیدند، به یک‌دستی مقاله‌ها لطمه وارد می‌کنند.

آوانویسی متن پهلوی هم خالی از اشکال نیست. نمونه اغلاط در بخش مربوط به آوانویسی توضیح داده شده است. یکی دیگر از نشانه‌های عدم هماهنگی و یک‌دستی در

ارائه مطالب این که در این دوازده متن گاه نخست ترجمه و سپس آوانویسی ارائه می‌شود، نظیر «گزارش شطرنج» و «داستان یوشت فریان»، «یادگار زیران»، گاه خلاف این روش است، مانند متن «ماه فروردین روز خرداد»، «آمدن شاه بهرام ورجاوند»، «سور سخن»، «خویش کاری ریدکان»، «فرخ‌نامه»، «چیم کشتی»، «چیم درون»، و گاه آوانویسی متن ارائه نمی‌شود، مانند متن «آفرین پیامبر زرتشت».

ب. ارائه کامل منابع و کتاب‌نامه: اگرچه مؤلف منابع ارزش‌مند و معتمدی را به کار گرفته، در شیوه نقل ارجاعات از الگوهای استاندارد پیروی نکرده است. به نظر می‌رسد که مؤلف از هیچ شیوه رایجی در این باره بهره نبرده است (به طوری که در همان آغاز مقدمه [همان: زیرنویس ۲ صفحه ۴] در توضیح موری می‌نویسد: «و این مسئله‌ای است که حل آن را دشوار می‌یابد»)، بدون آن که بیان شود موری کیست و چگونه حل این موضوع را دشوار یافته! متأسفانه تمامی زیرنویس‌ها و ارجاعات ناقص و تقریباً غیرقابل مراجعه‌اند (برای مثال، بنگرید به همان: زیرنویس‌های ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، همین مقدمه). نمونه‌های دیگر از ارائه منبع: صفحه ۶ یادداشت ۴: داستان سیاوخش، چاپ خالقی مطلق، ب ۱۹۶۴ (۱۹). صفحه ۳۲ یادداشت ۱: نام زوتبرگ در کتاب‌نامه نیامده است.

ج. رعایت نکات دستوری: به نظر می‌رسد غیبی به واسطه اقامت طولانی در آلمان نگارش معمول فارسی را فراموش کرده است. نمونه‌ای از این قبیل رعایت نکردن نکات دستوری عبارت است از صفحه ۵ مقدمه، زیرنویس ۳: «... تحریر مجددی از آن است به قلم سعدالدین وراوینی که شخص را از کتاب خواندن بیزار می‌سازد! و تحریر دیگر از محمدبن غازی الملطیوی با عنوان *روضه العقول* که نه بهتر از آن است». و البته منظور ایشان (بهتر از آن نیست) است؛ صفحه ۵ سطر ۲۰ بازیدن به جای باختن؛ صفحه ۹ یادداشت ۴: «... در این توضیح لغوی هاید نولدکه شک می‌کند»، به جای: نولدکه در این توضیح لغوی هاید شک می‌کند.

صفحه ۱۰ سطر ۴: «در قدیم کعبتین را نه چون امروز با دست می‌ریختند، بلکه از درون طاسی». منظور نویسنده این است که: در قدیم کعبتین را با دست نمی‌ریختند، بلکه از درون طاسی می‌ریختند.

صفحه ۹۵ زیرنویس ۴ «مه» و «به» را صفت تفضیلی معرفی کرده‌اند که درست نیست. بدین ترتیب، این عدم رعایت نکات دستوری تا پایان کتاب ادامه دارد.

د. گزارش‌ها و توضیحات مشکوک یا بدون ذکر مأخذ موثق: غیبی در صفحه ۶ کتاب به توضیح اصطلاحات شطرنج می‌پردازد. بهتر بود این توضیحات به بعد از متن

اصلی و ترجمه آن موکول شود. برخی اظهارات در این بخش نادرست است و برخی به سبب نداشتن منبعی موثق مشکوک به نظر می‌رسد. نمونه‌ای چند بدین شرح است: صفحه ۶: «h: شاه: همین 'شاه' است! که در زبان‌های فرنگی... 'چس' (chess) در انگلیسی!!...».

صفحه ۶: در توضیح m day n آن را همان «مایه‌دار» می‌داند و می‌نویسد: که در آن مایه همان m yag در متون مانوی است! و تبدیل r و n در d r شاید طبق قاعده باشد! صفحه ۹ یادداشت ۵: «... سار شکل دیگری از سان باید باشد!».

صفحه ۸ و ۹ نیوآردشیر: به نظر نمی‌رسد که توضیحات مطول و غالباً مالال‌آور غیبی برای نام نیو آردشیر قابل اعتماد باشد؛ زیرا گذشتگان اختراع نرد را به آردشیر نسبت می‌دادند و بدین روی نیو آردشیر «آردشیر نیکو» برای این اسباب نام مناسبی است و به توجیحات مبهم و بی‌مورد نظیر توضیح درباره «شیر آب» (ص ۹ یادداشت ۹) نیازی ندارد. صفحه ۴۳ سطر ۱: عنوان داستان برای m day n به نظر درست نیست. این واژه در این‌جا به معنی «رساله، کتاب» است. برای «داستان» در متون پهلوی از afs n استفاده می‌شود (بنگرید به مکنزی ۱۳۷۳: ۱۳۰).

به‌طور کلی، مؤلف در توضیح برخی واژه‌ها یا اصطلاحات گاه آن‌چنان به تفصیل و درازگویی پرداخته که توضیح وی به‌تنهایی به‌صورت مقاله‌ای درآمده و حواس خواننده را از متن اصلی خارج کرده است.

۵. رعایت یک‌دستی در ذکر اسامی: عدم رعایت هماهنگی و یک‌دستی در سراسر کتاب مشهود است. نام‌های خاص، به‌ویژه نام ایران‌شناسان و مؤلفان آثار، گاه به فارسی و گاه به لاتین نوشته شده‌اند. برای نمونه است:

صفحه ۷، یادداشت ۷: Widengren، یادداشت ۸: ویدن گرن؛ صفحه ۲۳ یادداشت ۵: روزنبرگ؛ صفحه ۴۶ یادداشت ۱: استرابو؛ صفحه ۴۸ یادداشت ۸: اسپینگ لینگ؛ صفحه ۵۰ یادداشت ۳: جفری؛ یادداشت ۷: لازار؛ صفحه ۵۹ یادداشت ۵: نیبرگ به فارسی نوشته شده است. بدین ترتیب، این عدم یک‌دستی در ذکر اسامی تا پایان کتاب ادامه دارد.

عدم یک‌دستی در آوانویسی متن پهلوی نیز مشاهده می‌شود. مثلاً شناسه پایانی اول‌شخص مفرد را گاه به‌صورت d - و گاهی به‌شکل ad - می‌آورد؛ برای نمونه:

(صفحه ۳۶ سطر ۱۲) guft k kunam ud fristam ...

(صفحه ۱۷۳ سطر ۱۱) ... c man diz- w r y n fe fram y m kardan...

و. ذکر مطالب عامیانه یا پیهوده که به اطالۀ کلام منجر شده است؛ برای نمونه، صفحه ۷، یادداشت ۹: مؤلف توضیح می‌دهد که «لغت سوار دراصل به معنی 'سه وار' است. اسب دو وار و کسی که رویش می‌نشیند یک وار روی هم می‌شود سه وار!» باید توجه داشت که به‌کاربردن تعابیر عامیانه در متون علمی جایز نیست.

صفحه ۸، یادداشت ۷: مؤلف محترم در این یادداشت نسبتاً طولانی توضیح می‌دهد که مولر در سال ۱۸۹۷ نام نیو اردشیر را وین اردشیر خوانده و بعدها این نظر را رها کرده است. اگر در تألیف اثری بخواهیم توضیحاتی مبنی بر اشتباهات گذشتگان نقل کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد بود؛ امری که کمکی به خواننده نمی‌کند. صفحه ۲۴، یادداشت ۷ توضیحات طولانی برای منش، گوش، و کنش.

آوردن پاره‌ای یادداشت‌ها، همان‌طور که پیش‌تر یاد شد، اگرچه برخی ارزش‌مندند، به اطالۀ کلام می‌انجامد. مثلاً در صفحه ۲۷ توضیح درباره «زه گفتن» و دهیوبد و «گزارش‌های عامیانه» که ارائه آن‌ها در متون علمی چندان مرسوم نیست. اگر قرار باشد برای هر لغتی صفحات بی‌شمار توضیح ارائه شود، مؤلف از هدف اصلی که همانا ترجمه و تصحیح متن پهلوی است دور می‌شود و صرفاً به حجم اثر افزوده می‌شود. بدیهی است که خواننده برای دریافت توضیحات لغوی معمول می‌تواند به فرهنگ‌های لغت مراجعه کند.

ز. مطالب گنگ و مبهم، واژه‌های نامعمول یا اشکالات تایپی: در طول مقالات گاه مطالب گنگ و نامفهومی مطرح می‌شود که ممکن است در اثر جابه‌جایی جمله‌ها رخ داده باشد. گاهی جمله‌ای ناتمام رها می‌شود. حروف چینی و تایپ متون باستانی امر دشواری است. اغلب پژوهش‌گران این کار را خود به‌عهده می‌گیرند. این اثر نیز از اغلاط تایپی و به‌قول معروف مطبعی خالی نیست. نمونه‌ای از این‌هاست:

صفحه ۶: فرمان‌روایان؛ ص ۹: در آبرین؟؛ ص ۱۱: در ج فلک؟؛ ص ۱۳، ص ۱۵: آغاجی؛ ص ۱۸: مسکویه؛ زیرنویس شماره ۲ از صفحه ۹۰ نیز نامفهوم است.

صفحه ۱۰، زیرنویس ۸: «در بیتی که در ص ۱۸ از مولوی نقل کردیم...»، معلوم نیست صفحه ۱۸ به کدام کتاب برمی‌گردد. نیز بنگرید به ادامه همین مطلب که تاحدی نامربوط است. صفحه ۳۰ سطر ۱۸: اهرمین به‌جای اهرمن؛

ح. اشکال در آوانویسی: اشکالات آوانویسی در سراسر متن دیده می‌شود. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

صفحه ۱۴ و ۱۵: n wardaxš r با یای مجهول است. مؤلف گاه آن را بدون یای مجهول می‌نویسد و گاهی نیز با نقطه‌ای در میان دو بخش از کلمه: n w.ardaxš r (ص ۳۶ سطر ۱۴) و متأسفانه این دوگانگی در آوانویسی‌ها تا پایان کتاب ادامه دارد.

صفحه ۱۹، یادداشت ۱: ادبیات اروتیک فارسی. غیبی ظاهراً روش آوانویسی مکنزی را برگزیده، اما در کار خود دچار سهوهای متعدد شده است که نمونه‌ای از آن‌ها بدین‌قرارد:

بند ۲: غیبی علت انتخاب نام t trit s را برای فرستاده هند شرح نمی‌دهد.

بند ۳: fr st d باید به fr st d اصلاح شود.

بند ۴: šayist باید به š yist اصلاح شود.

بند ۷: ani-z باید به an-z اصلاح شود.

بند ۱۲: علت انتخاب و ترجیح arg بر دیگر قرائت‌ها توضیح داده نشده است.

بند ۱۸: hast باید به ast اصلاح شود.

بند ۱۹: bud به b d و new به n w اصلاح شود.

بند ۳۱: w احتمالاً تکرار شده است.

بند ۳۲: juw n به gušn و abrang g h tar به abrang h tar اصلاح شود.

بند ۳۴: ham. and n به ham and n اصلاح شود.

صفحه ۹۰، فصل ۲، سطر اول fry n صحیح است.

صفحه ۹۰، فصل ۲، بند ۸: mard-1 yašt-1 باید این‌گونه آوانویسی شود: mard- yašt-

ط. عدم ارائه متن پهلوی: نکته دیگر این‌که غیبی در سراسر کتاب متن پهلوی را ارائه نمی‌کند و گاه تنها صفحه نخست متن را ارائه می‌کند. بیش‌تر این متون به‌آسانی قابل دست‌رسی نیستند. بنابراین، خواننده متخصص نمی‌تواند درباره خوانش ایشان از متن اصلی قضاوتی به‌دست دهد.

ی. اشکال در ترجمه متن پهلوی: غیبی در ترجمه متن پهلوی به فارسی گاه روش ترجمه آزاد و گاهی روش ترجمه لغت‌به‌لغت را برگزیده است. گاهی نیز عین لغت پهلوی را در ترجمه فارسی به‌کار برده است که فهم ترجمه ایشان را نسبتاً دشوار کرده است. بنابراین، ترجمه ایشان علاوه‌براین که یک‌دست نشده غالباً دشوارفهم است و به بازنگری نیاز دارد. چند نمونه را ببینید:

صفحه ۲۱، سطر ۴: سود خویش نگریدن را (= برای نگریدن به سود خویش)؛ شانزده تا از زمرد کرده (= شانزده تا ساخته از زمرد)؛

صفحه ۲۶، سطر ۸: «ابزار اوی دیگر» (= ابزار دیگری). صفحه ۲۳، سطر ۶: «بزرگمهر شما از خرد مادرزاد خویش ایدون خوار و سبک (آن را) بگذار» (= ... شما به سبب خرد مادرزاد خویش این چنین آسان و راحت آن را بگذارید/ توضیح دادید).

۳. نتیجه‌گیری

کتاب *دوازده متن باستانی* شامل دوازده متن فارسی میانه (پهلوی) هم‌راه با آوانویسی، ترجمه، و توضیحات آن‌هاست. این کتاب به واسطه دقت نظر در ترجمه متون و احتوا بر یادداشت‌های ارزشمند مؤلف حائز اهمیت بسیار است. با این حال، نظر به اصول و شیوه‌های علمی در کار تصحیح و ترجمه متون باستانی عاری از آسیب‌های قابل توجه نیست. نمونه‌ای از این کاستی‌ها را پیش‌تر اشاره کردم. بخش قابل توجهی از آن را مؤلف می‌تواند در چاپ‌های بعدی از این اثر ارزشمند بزداید. نکته دیگر این‌که هرچند مؤلف محترم در تألیف اثر خود منابع ارزشمند و معتبری را به کار گرفته، در شیوه نقل ارجاعات از الگوهای استاندارد پیروی نکرده است. نمونه‌هایی از این بی‌توجهی را در بخش مربوط بازنمودم. سه‌دیگر این‌که به نظر می‌رسد غیبی به واسطه اقامت طولانی در آلمان گاه نگارش معمول فارسی را فراموش کرده است. از این‌رو، هم در ترجمه متون و هم در بخش توضیحات خود بسیاری اوقات دست‌خوش لغزش‌های دستوری شده است که به نمونه‌های اندکی از آن اشاره کردم. افزون‌براین، مؤلف در توضیح برخی واژه‌ها یا اصطلاحات گاه آن‌چنان به تفصیل پرداخته که توضیح او به‌تنهایی به صورت مقاله‌ای درآمده و از حوصله متن خارج شده است. هم‌چنین، در پاره‌ای یادداشت‌ها ذکر مطالب عامیانه یا بیهوده که به اطلاع کلام منجر شده است به این اثر آسیب رسانیده است. علی‌رغم ارزش‌های محتوایی اثر که حاصل تحقیق و تتبع سال‌های بسیار مؤلف گران‌قدر است، عدم رعایت هماهنگی و یکدستی در سراسر کتاب مشهود است. نام‌های خاص، به‌ویژه نام ایران‌شناسان و مؤلفان آثار، گاه به فارسی و گاه به لاتین نوشته شده‌اند. افزون‌براین، در طول مقالات گاه مطالب گنگ و نامفهومی مطرح می‌شود که ممکن است در اثر جابه‌جایی جمله‌ها رخ داده باشد. گاهی جمله‌ای ناتمام رها می‌شود. حروف چینی و تایپ متون باستانی امر دشواری است. اغلب پژوهش‌گران این کار را به‌عهده می‌گیرند. این اثر نیز از اغلاط تایپی و به‌قول معروف مطبعی خالی نیست. اشکالات آوانویسی کتاب نیز لاتعد و لاتحصی است. نکته دیگر این‌که غیبی در سراسر کتاب متن پهلوی را ارائه نمی‌کند و گاه تنها صفحه نخست

متن را ارائه می‌کند. بیش‌تر این متون به‌آسانی قابل‌دست‌رسی نیستند. بنابراین، خواننده متخصّص نمی‌تواند درباره‌ی خوانش ایشان از متن اصلی قضاوتی به‌دست دهد. جای واژه‌نامه و نمایه‌های لازم و فهرست علائم اختصاری برای این مجموعه ارزش‌مند در پایان اثر خالی است؛ کاری که ناشر محترم می‌توانست با صرف وقت و حوصله‌ی کافی به‌متن بیفزاید و استفاده از این متن ارزش‌مند را آسان‌تر سازد.

کتاب‌نامه

- بهار، محمدتقی (۱۳۴۷)، ترجمه‌ی چند متن پهلوی، به‌کوشش محمد گلبن، تهران: سپهر.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
- عریان، سعید (۱۳۸۲)، متن‌های پهلوی، گردآورنده جاماسب جی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- غیبی، بیژن (۱۳۹۵)، دوازده متن باستانی، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- مکنزی، د. ن. (۱۳۷۳)، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه‌ی مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

Brunner, C. J. (1979). "The Middle Persian Explanation of Chess and Invention of Backgammon", *The Journal of the Ancient Near Eastern Society of Columbia University*, no. 10.

Hansen, O. (1935), *Zum Mittelpersischen Vi rišn atrang*, (Den Teilnehmern der Sektion 4 am XIX. Internationalen Orientalistenkongress in Rom (23-29) überrichtet vom Verlag], Glückstadt.

Panaino, Antonio (2017), "WIZ RIŠN ATRANG UD NIHIŠN N W-ARDAXŠ R", *Encyclopædia Iranica*, Online Edition, Available at:

<<http://www.iranicaonline.org/articles/wizarisn-catrang-nihisn-ardaxir>>.

Tarapore, J. C. (1932), *Vijārishn-i Chatrang or the Explanation of Chatrang and other Texts: Transliteration and Translations into English and Gujarati of the original Pahlavi Texts, With an Introduction*, Bombay.

